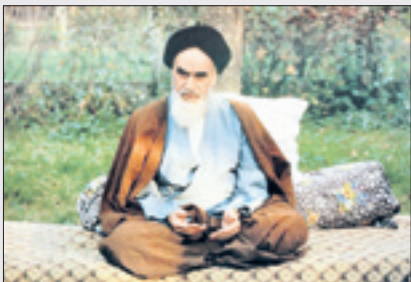


این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربرانندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آینه نفس



چرامام کاظم(ع)در حبس بود؟!

امام خمینی(ره):

اینهایی که به اسم خلفا سلطنت می کردند، حضرت موسی بن جعفر(ع) را ۱۵ سال یا ۱۰ سال در حبس نگه می‌دارند یا برای اینکه نماز می‌خواند؟... هارون و مأمون خودشان نماز می‌خواندند. امام جماعت هم بودند، امام جمعه هم بودند، برای اینکه نماز می‌خواند... گرفتند ایشان را؟! برای اینکه یک سید، اولاد پیغمبری است یا امامی است؟! برای اینهاست؟ نه،برای این است که حضرت موسی بن جعفر مخالف با رژیم بوده است، با آن رژیم طاغوتی مخالف بوده.مخالفتش با رژیم،اسباب گرفتاری‌اش بوده،نه اینکه یک آدمی بوده است چون نماز می‌خوانده، گرفتند او را! چون آدم خوبی آیده،! چون که پسر پیغمبر بوده. آنها پیغمبر را فریاد می‌کردند در افان‌شان و پیغمبر را ثنامی کردند،لکن وقتی مخالف رژیم می‌بینند این آدم هست،باید بگیرند حبسش بکنند.

منبع: کانال امام خمینی (ره) در پیام رسان اپتا به استناد سخنرانی حضرت امام در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۵۷



پاسخ تاریخی چرچیل دررد مذاکره باهیتلر

سیدامیر سیاح در توثیتی نوشت:مهر ۹۸ بعد از تشدید تحریم‌ها توسط ترامپ،مکرون وجانسون در سازمان ملل آقای روحانی را دوهو تشویق کردند باتر ائمپ دیدار کنده کاش ایشان به‌جای قهقهه،جمله تاریخی چرچیل در رد مذاکره با هیتلر را به نخست‌وزیر انگلیس یاداوری می‌کرد: You cannot« reason with a tiger when your head is in its mouth



زن ورزشکار سعودی چه به دست آورد؟

مهدی عزیزی دستگزدی در توثیتی نوشت:«انیا العسال» یک فعال مصری درباره جوهر کار زن سعودی که از نماینده رژیم صهیونیستی شکست خورد و کشف حجاب هم کرده بود،نوشت:ورزشکار زن ایرانی که حجاب خود را حفظ کرد پیروز شد اما ورزشکار زن سعودی که کشف حجاب کرد، شکست خورد. این سعودی نه شرافت شکست را به دست آورد نه افتخار پیروزی.



سفیر انگلیس با پایان مأموریتش تهران را ترک می‌کند

«مشرق» خبر داد: سفیر انگلیس در تهران در صفحه رسمی خود در توییتر از پایان کارش در تهران خبر داد و نوشت: کار من در اینجا تمام نشده، اما می‌دانم که جانشین من سایمون سر کلیف این مسئولیت را همراه با احساسی مشابه ادامه خواهد داد. در طول سه سال حضور در ایران سیاستی در داخل و خارج از کشور همچنان پیچیده بوده با این حال باعث افتخار من بوده که به عنوان سفیر در اینجا خدمت کنم.

تصویر منتخب



❧ بندنی‌های الموت، قزوین |عکاس:مجنتی در| انتشار در صفحه توییتری



کاربران

| روزنامه جوان | شماره ۶۲۷۰ | ||||| سمنه ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ | ۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ |



رئاست جمهوری

بازخوانی عبرت‌های یازدهم و دوازدهم از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی

آینه عبرت شدند!

بیان رهبر معظم انقلاب در آخرین دیدار با دولت در خصوص عبرت‌دولت‌های آینده از اعتماد دولت فعلی به غرب برای حل مشکلات کشور و انتشار کلیبی با این مضمون از سوی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب شامل گفت‌وگوی رهبر انقلاب با مر حوم هاشمی رفسنجانی در خصوص مذاکره با امریکا، موجی از واکنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی را به همراه داشت. کاربران دولت‌های یازدهم

ندا یاری:

در دولت روحانی معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد و آنها کمک نمی‌کنند و هر جا که بتوانند ضربه خواهند زد و اگر جایی هم ضربه نمی‌زنند به این دلیل است که نمی‌توانند.##دولت_عبرت
عبدالله گنجی:
وزارت خارجه می‌خواهد بعهده‌ی‌ها و نقض تعهدهای امریکا را مکتوب و مستند کند که خوب است، مدل مفهومی رابطه امریکا با کشورها فقط دو جور است یا تحت سلطه و تسلیم یا سرشاخ. دولت روحانی خواست به مدل سوم یعنی احترام متقابل دست یابد اما

دبر فهمید راه سومی وجود ندارد، روز آخر به

اول ریل بر گشت.

علیمردان بختیار یاری:

با خروج امریکا از برجام در سال ۹۷، مجدداً تلاش دولت اصلاحات معطوف به مذاکره با ۴+۱ شد. این تلاش‌های بی‌ثمر منجر به این شد که دولت با تورم بالای ۴۴/۲، نرخ بیکاری ۸/۸ و نرخ رشد اقتصادی منفی دولت، را تحویل دهد. روند گرانی هم هنوز با شدت همچنان در حال افزایش است. ##دولت_عبرت
مهدی فضائلی:
برای بی‌اعتمادی به غرب لازم نیست انقلابی باشیم، واقع‌بینی و مختصری اطلاعات تاریخی

کفایت می‌کند.

رسول شکری نیا:

بالاخره هشت سال عمر دولت وعده‌ها به پایان رسید و دولتی که قرار بود دولت راستگویان ، تدبیر و امید باشد با نا کامی در بسیاری از بخش‌ها، دولت عبرت نام گرفت... شد که دولت با تورم بالای ۴۴/۲، نرخ بیکاری ۸/۸ و نرخ رشد اقتصادی منفی دولت، را تحویل دهد. روند گرانی هم هنوز با شدت همچنان در حال افزایش است. ##دولت_عبرت
مهدی فضائلی:
برای بی‌اعتمادی به غرب لازم نیست انقلابی باشیم، واقع‌بینی و مختصری اطلاعات تاریخی

عبرت بزرگا اگر تشنه‌ای و دست به طرف دشمن دراز کنی او به تو آب نشان می‌دهد اما

آتش در کف دست می‌گذارد. ##دولت_عبرت
فاطمه رشیدی:

در توصیف دولت عبرت همین بس که حتی کسانی که به روحانی رأی دادند هم الان از منتقدان جدی عملکردش هستند و بخشی از کسانی که انتخابات را تحریم کردند، آنهایی بودند که دچار افسردگی سیاسی ناشی از انتخاب غلط شده بودند. دولتی که الان حتی بین طرفدارها شرم، طردار ندارد..

امین توکی:

دولت عبرت تمام شد؛ حسن روحانی رفت؛ ولی همچنان تفکر غرب پرستی وجود دارد؛ این بیماری را باید علاج کرد.



پاداش بانک تجارت و پاداش پرسپولیس

دکتر مهدی نصرتی در کانال تلگرافی خود نوشت: پنجمین قهرمانی متوالی پرسپولیس را به طرفداران تبریک می‌گویم. دوست عزیزم، دکتر علی سرزمین در کانالش نوشته بود، «این پاداش (پاداش) ۸۰ میلیونی به بازیکنان پرسپولیس پیش از قهرمانی، هیچ صدایی را بلند نمی‌کند ولسی همان برای هیئت‌مدیره بانک تجارت این همه هیاهو ساخت. وقتی ارزش یک مدیر اقتصادی کمتر از یک فوتبالیست است، تخصصی استعدادها غیربهبینه می‌شود.» مقایسه خوبی است ولی نتیجه‌گیری، غلط است. به نظر م مشخص است که ایراد و تفاوت در کجاست: ۱- بازیکن تیمی مثل پرسپولیس در یک فرآیند نسبتاً رقابتی و نسبتاً مبتنی بر شایسته‌سالاری انتخاب می‌شود (هر چند فضای فوتبال هم بدون رانت و رابطه نیست)، ولی من یادم نمی‌آید تا به‌حال هیچ بانک دولتی یا خصوصی برای انتخاب هیئت‌مدیره، فراخوان داده باشد» و عموماً فرآیند انتخاب، یک فرآیند رانتی یا حاصل دبه‌بستان یا در بهترین حالت حاصل اعتماد و شناخت شخصی مقامات سیاسی از افراد است. آشدن، کرسی‌های رانتی هیئت‌مدیره‌ها نصب افراد جدید خواهد شد. البته من نه مدافع بذل و بخشش بی حساب در فوتبال هستم و نه مخالف پساداش به مدیران موفق اقتصادی. بحث هم بر سر حق و ناحق بودن این پاداش‌ها نیست، بلکه درباره حساسیت و واکنش مردم است. معتقدم نباید رفتارها و مواضع عموم مردم را دست‌کم گرفت. معمولاً در حرف‌های مردم، رگه‌هایی از حکمت و حقیقت وجود دارد، هر چند که شاید ظاهر لحن‌شان عوامانه باشد. در این باره در آینده بیشتر خواهیم نوشت.
***پی‌نوشت پس از تحریر:**
ظاهراً بعضی بانک‌ها، آگهی فراخوان برای هیئت‌مدیره بانک‌ها هم عمدتاً سودهای غیر عملیاتی و حاصل جهش نرخ املاک و نرخ ارز و... است! به‌طور خلاصه تأثیر بود و نبود بازیکن در

روایت رفتن و رسیدن پدر و پسر ی افغان

کانال تلگرافی فاطمییون نوشت: کتاب «این پسر من است» شامل زندگینامه مستند شهیدان رسول جعفری و مهدی جعفری نوشته ندا رسولی توسط انتشارات خط مقدم منتشر و راهی بازار نشر شد. «این پسر من است» روایت حرکت همیشگی خانواده‌ای است که فداکارانه هجرت را به جان خریدند. حرکت از افغانستان به ایران، کوچیدن مدام در ایران و در نهایت هجرت به سوریه که به قراری

همیشگی می‌انجامد. این کتاب پدری شهید را به تصویر می‌کشد که شهادت را به پسرش می‌آموزد و خود هم از پی او می‌رود؛ روایت رفتن و رسیدن رسول و پسرش مهدی. در این کتاب علاوه بر زندگی رسول و مهدی جعفریان، به زندگی جنگ‌زده مردم سوریه نیز پرداخته شده است. مطالب کتاب نیز با روایت کل ارائه می‌شوند و نتیجه مصاحبه‌هایی هستند که نویسنده کتاب آنها را انجام داده و تدوین کرده است.

آقای روحانی! واقعاً متشکریم

محمدایمانی، روزنامه‌نگار، در کانال تلگرافی خود نوشت: به یکی گفتند خرس تخم می‌ذاره یا بچه‌است؟ گفت: از این دم پریده هر چی بگی بر می‌اد. حالا حکایت پرواز قیمت پراید است. وقتی آقای روحانی دولت را تحویل گرفت، قیمت پراید ۲۰ میلیون تومان بود و همین روزها که دولت

را تحویل می‌دهد، به ۱۴۰ میلیون تومان رسانده است. قیمت مسکن نیز در این دوره هفت برابر شد. هرچند برخی اقلام و امار مشابه، تا ده برابر افزایش قیمت داشته است. هشت سال قبل که روحانی وعده‌های گل و بلبل می‌داد، چه کسی فکر می‌کرد قیمت پراید را به قیمت خودروهای لوکس برساند و آخرش با بگوید «اگر عیب یا نقصی داشتیم، از مردم عذرخواهی می‌کنیم» و «البته اگر تحریم‌ها نبود، امروز دلار ۵ هزار تومان بود و وعده‌های من عملی می‌شد؟!» چهار سال قبل وقتی می‌خواستند مردم را بترسانند، گفتند اگر رئیس بیروز شود، دلار ۵ هزار تومان می‌شود اما در دولت همان‌ها، قیمت دلار تا ۳۳ هزار تومان هم افزایش یافت. حالا روحانی در آخرین روزهای می‌گوید اگر همه چیز می‌پایود (و هیچ‌پنهانی دستش نبود) قیمت دلار را به نقطه‌ای می‌رساند که ادعا شده بود «بدترین وضعیت» در صورت انتخاب رئیس‌ی است! واقعاً متشکریم!

پشت صحنه‌ای از زندگی لاکچری سلبریتی‌ها!

امیر اسماعیلی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: یکی از بچه‌های عکاس تعریف می‌کرد که یک روز صبح برای عکس گرفتن از یکی از اینفلوئنسرهای صوتی آفیش شدم. صبح رفتم در خانه‌شان، ماشینش پژو ۴۰۵ حداکثر مدل ۱۰ بود که کنار ماشین هم مالیده بود به در پارکینگ و هنوز رنگ‌های کنده‌شده در پارکینگ روی گلگیرهای ماشین مانده بود. از خانه‌شان به خانه دیگری رفتم. حدود ۱۵ دست لباس متفاوت آورد و گذاشت در ماشین. بعد رفتم به یکی از نمایشگاه‌های لوکس ماشین و طبق هماهنگی‌ای که از قبل کرده بود، یک خودروی بی‌ام‌دبلیو مدل بار برای یک روز اجاره کردم. تا موقعی که نور اجازه می‌داد در لوکشین‌های مختلف دائم لباس عوض کرد و با خودروی اجاره‌ای یک روزه تا می‌شد عکس گرفتیم. بعد از آن تا یک‌سال به تنایب اینفلوئنسر صوتی عکس‌های آن روز را منتشر می‌کرد و حتی در بعضی از پست‌ها غر زده بود که دیگه و قتشه ماشینم را عوض کنم. مواظب خودمان باشیم و به زندگی ما در رحم کنیم. صورتی‌ها کار خودشان را می‌کنند. ما حواس مان به خودمان باشد...

خروج دوباره امریکا از برجام!

حمیدخوش‌آینددر کانال تلگرافی خود نوشت: در نیویورک تایمز گزارشی منتشر شد که در بخشی از آن نوشته بود «امریکا از برجام خارج می‌شود» واقعاً برجام چگونه معاهده‌ای است که ایالات متحده یک بار از آن خارج شده و الان اعلام کرده که می‌خواهد دوباره از آن خارج شود؟! آیا می‌شود از یک قرارداد یا معاهده بیشتر از یک بار خارج شد؟! دولت جدید ایران حتماً در یکی از اولین دستور کارهای سیاست خارجی‌اش باید فکری به حال برجام کند؛ برجامی که برای امریکا که از آن خارج شده همچنان کار می‌کند و ما که در آن مانده‌ایم همچنان ضرر می‌دهیم؛ در دنیا هیچ کشوری زیر بار چنین قراردادهایی نمی‌رود.

لحظات بی‌سپر میان خواب و بیداری

محمود مقدسی نوشت: هر کدام از ما بعضی روزها مثل قهرمان رمان‌های اگزستانسیالیستی از خواب بیدار می‌شویم؛ گاه غرق در تلخی و بی‌معنایی، گاه غرق در بی‌تفاوتی نسبت به همه چیز، گاه غرق در حیرت رنده بودن، گاه سرگردان میان زمین و هوا و گاه در دل بحرانی سخت و طاقت‌فرسا که همه چیز را بر ایمان تبدیل به مسئله کرده است. بعد خبری می‌شویم به سقف یا به دیوار اتاق و به فکر فرو می‌رویم. خیلی وقت‌ها، این روزمرگی است که به یاری‌مان می‌آید و دوباره فرصت فراموش کردن را به ما می‌دهد. هر کدام از ما بالاخره وظایفی داریم و در پی چیزهایی هستیم. کمی بعد از بیداری، این چیزها دوباره راه خودشان را به دنیای ما باز می‌کنند و دوباره به چیزی از جنس زندگی-فراموشی- بران می‌گردانند (و چه خوب که این کار را می‌کنند). در این بین اما برخی هست میان خواب و بیداری که هنوز لباس هشیاری و روزمرگی را به تن نکرده‌ایم و نیمه‌خواب-نیمه‌بیدار در بستر از این پهلوی به آن پهلوی می‌شویم. در این لحظات، جایی در میان واقعیت و خیالیم و با هر احساس و تجربه‌ای بی‌سپر و بی‌سلاح روبه‌رو می‌شویم. در این لحظات، حساسیت غربی به بعضی چیزها پیدا می‌کنیم، بسیاری مسائل را لایحتل می‌دانیم و کافه و سرگردان به چیزهایی فکر می‌کنیم که تلخی‌شان گاه تمام روز در کام‌مان باقی می‌ماند. در این لحظات، به تعبیری من هشیار ما هنوز از راه نرسیده و من رویایین مان که از میانهٔ کابوسی برخاسته، اینک در بیداری کنترل افکار ما را در اختیار دارد. راستش هرچه تلاش می‌کنم بگویم این لحظات، برش‌های معنایی از آگاهی سرگردان میان خواب و بیداری‌اند، دلم رضامی‌دهد. یعنی نمی‌توانم صرفاً به بعضی حالات عصب‌شناختی نسبتشان بدهم و بگویم مغز در گذار از خواب به بیداری، چنین اوهام و هذیان‌هایی را تجربه می‌کند. احساس می‌کنم این افکار و احساسات، بیش از بسیاری لحظات دیگر، دماسنج زندگی ما و پیشتگویی احوال‌مان هستند. آنها بخشی واقعی از مواجهه ما با زندگی‌اند و حقایقی را در مورد ما آشکار می‌کنند. حتی اگر همه روز مثل قهرمان رمان‌های عامه‌پسند باشیم، بخشی از روان ما قهرمان رمانی اگزستانسیال یا نهیلیستی است که با پرسش‌های سخت و مهمی درباره زندگی دست و پنجه نرم می‌کند و می‌کوشد از میان آنها راهی برای زیستن پیدا کند. ما آدم‌ها چندپاروایم و بخش‌هایی از ما تنها در فاصله میان بیداری و برخواستن از بستر خودشان را آشکار می‌کنند.

